

Political rights of religious minorities in Islamic law and the Islamic Republic of Iran

Abstract

Religious and ethnic minorities are one of the major concerns of the present age. Unfortunately, there is still discrimination, violence and injustice against this group of human society around the world. In the Islamic legal system, man has a special position and due to the inherent dignity that God has given him, regardless of race, gender, religion, geographical location, economic status, social status and rank, etc., has rights. Which must be respected and respected by members of society as well as the Islamic government. The study of the verses of the Holy Quran and the tradition and biography of the infallible leaders confirms this view and Islam has strictly forbidden oppression and aggression against others and declared it an unforgivable sin. Regarding the People of the Book, this special attention is paid and the Islamic government considers the rights and duties of this group of citizens to be formulated and enforced in the form of a contract of obligation.

Some of the principles governing the relations of Muslims with non-Muslims in Islamic society are: the principle of human dignity, the principle of denying the domination of infidels over Muslims (denying the mustache), the principle of composing hearts, the principle of calling to Islam, the principle of benevolence, the principle of integration.

حقوق سیاسی اقلیت های دینی در شریعت اسلام و جمهوری اسلام ایرانعلی فروزنده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۷

طیبه عارف نیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

عباس سماواتی^۳**چکیده**

اقلیت های دینی و قومی یکی از دغدغه های مهم عصر حاضر است. و متأسفانه هنوز گوشه و کنار جهان شاهد تبعیض، خشونت و بی عدالتی نسبت به این گروه از جامعه بشری است. در نظام حقوقی اسلام، انسان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و به دلیل کرامت ذاتی که خداوند به وی عطا نموده است، صرف نظر از نژاد، جنسیت، دین، موقعیت جغرافیائی، وضعیت اقتصادی، جایگاه و رتبه اجتماعی و ... دارای حقوقی است که باید توسط آحاد جامعه و نیز حکومت اسلامی محترم شمرده شده و مراعات گردد. بررسی آیات قرآن کریم و سنت و سیره پیشوایان معصوم مؤید این دیدگاه بوده و اسلام به شدت از ظلم و تعدی به دیگران نهی نموده و آن را گناهی نابخشودنی اعلام نموده است. در خصوص اهل کتاب این توجه ویژه بوده و حکومت اسلامی حقوق و تکالیف این دسته از شهروندان را در قالب قرارداد ذمه تدوین و لازم الاجراء می داند. همچنین دو قرارداد امان و عهد یا میثاق نیز از دیگر موارد تعامل بین مسلمانان و غیر مسلمانان هستند.

کلید واژه ها: حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی، اقلیت دینی، حقوق اهل ذمه، قرارداد ذمه

^۱دکتری فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

احترام به حقوق اقلیت ها و تلاش در رفع تبعیض یکی از دغدغه ها و مسائل مبتلا به بشر در دنیای امروزی است. یکی از وظایف مهم حاکمیت دینی و نهادهای زیر مجموعه آن، به نوعی اجرا و عملی کردن حقوق انسان ها است، که غافل شدن از آن آسیب های جدی زیادی را برای جامعه ایجاد می کند. چرا که اقلیت های دینی، قومی، زبانی، نژادی و... با گرایش های متفاوت در تمام جوامع وجود دارد و می توان گفت امروزه کشوری وجود ندارد که تمام تابعیتش یکدست بوده و اقلیت معنی و مفهوم نداشته باشد. همچنین تبعیض نژادی بیشتر در اکثر جوامع به چشم می خورد. این امر در کشورهای غربی به خصوص آمریکا ریشه در تفکرات گذشته مسیحیت به ویژه استعمار قدیم دارد که خود را نژاد برتر بدانند و بقیه را نوعی نژاد رنگی می دانند که باید تابع آنان باشند که این نوع تفکر گاه به عنوان یک بحران جهانی نمایان می شود (معین، ۱۳۷۶).

از مهم ترین و با ارزش ترین روش های اجرای حقوق اقلیت ها در زمان پیامبر (ص) می توان به: انعقاد قرارداد دمه، قرارداد امان، قرارداد عهد یا پیمان، قرارداد صلح و سازش با گروه های مختلف، همچنین اهل کتاب اشاره کرد. علاوه بر این قرآن کریم نیز به عنوان با ارزش ترین یادگار پیامبر اکرم (ص) با اشاره به واقعیت اقلیت ها، حقوق اقلیت را به رسمیت شناخته است. دین اسلام با توجه به دارا بودن شرایط معنوی، رابطه خود را از واقعیت آیین های آسمانی غیر قابل جدا کردن می شمارد: *لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ*. (البقره / ۱۳۶). علاوه بر این، آیه *وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ...* این وعده حقی (بهشت) است بر او که در تورات، انجیل و قرآن ذکر فرموده است... (التوبه / ۱۱۱). همان طور که مشخص است، در این آیات، تورات و انجیل تحت عنوان وحی و کتاب آسمانی و شامل شریعت الهی و معارف حقه معرفی شده اند و هم ردیف قرآن قرار گرفته اند (زارع و روحی، ۱۳۹۴).

در دین مبین اسلام رعایت حقوق اقلیت ها به ویژه اقلیت های دینی مورد توجه قرار گرفته است. در سیره و روش پیامبر (ص) و نیز ائمه معصومین (ع) شاهد احترام به حقوق اقلیت ها هستیم تا جایی که پیامبر (ص) با برخی از این اقلیت ها پیمانی منعقد نموده اند که براساس آن اقلیت ها تعهداتی را نسبت به دولت اسلامی می پذیرفتند. و در مقابل دولت اسلامی هم حقوق و اختیاراتی همچون برقراری امنیت، تامین آزادی دینی، انجام مراسم دینی، انتخاب مسکن، شغل و... را برای آنها به رسمیت می شناخت. بدین منظور در این پژوهش علاوه بر بررسی مفهوم حق و اقلیت، به بررسی حقوق اقلیت های دینی در قرآن، سیره امامان معصومین و انقلابی و قانون اساسی پرداخته شده است. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی حقوق سیاسی اقلیت های دینی در شریعت اسلام و جمهوری اسلام ایران می باشد که این سوال مطرح است حقوق و جایگاه اقلیت های دینی در شریعت اسلام و جمهوری اسلام ایران چگونه است؟

اقلیت^۱ از واژه های تعریف نشده مبهم و بحث برانگیز در حقوق بین الملل است ابهام ها و چالش های زیادی در ارائه تعریف از اقلیت وجود دارد، این ابهام به گونه ای است که به رغم پیشرفت های بین المللی در زمینه حمایت از اقلیت ها و برقراری نظام حقوقی خاص برای آنها هنوز تعریف جامع و مانعی از کلمه اقلیت که در هر بستر علمی قابل استناد باشد ارائه نشده است.

اقلیت در لغت به معنی اندک بودن، کم بودن، قسمت کمتر و مقابل اکثریت آمده است (هوشیار، ۱۳۹۳) در اصطلاح اقلیت عبارتست از گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کمتر از بقیه جمعیت کشور هستند و اعضای آن در حالیکه تبعه آن کشور هستند ویژگی های متفاوت قومی، مذهبی و یا زمانی با سایر جمعیت کشور را دارند و دارای نوعی وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ آداب و رسوم، مذهب و یا زبان هستند.

در ادبیات حقوقی اقلیت به اجتماعی از شهروندان اطلاق می شود که به واسطه داشتن ویژگی یا ویژگی هایی، از گروه اکثریت متمایز باشند. معمولاً گروه اقلیت در مقایسه با موقعیت خود در کشور محل سکونت تعریف می شود، ولی ممکن است در یک منطقه بسیار بزرگ مانند یک قاره و یا منطقه کوچک مانند یک استان نیز شناسایی شود.

اقلیت عبارتست از گروهی از اتباع یک کشور که از لحاظ ملی نژادی، زبانی و یا مذهبی از دیگر گروه های مردم متفاوت بوده و از لحاظ تعداد کمتر و قدرت حکومت را نیز در دست ندارند (مهرپرور، ۱۳۹۴).

در مفهوم حقوقی باید دو دسته عناصر عینی و ذهنی را مورد توجه قرارداد. عنصر عینی به دو مقوله، عدد (کمیت) و استیلا (حاکمیت) بر می گردد و عنصر ذهنی مربوط به مسئله اراده مشترک گروه بر حفظ ویژگی های اختصاصی آنها می باشد با در نظر گرفتن این دو عنصر، می توان اقلیت ها را از پناهندگان و بیگانگان ساکن یک کشور باز شناخت.

اقلیت واژه ای است که تقریباً هیچ گاه به تنهایی مورد استفاده قرار نمی گیرد و همیشه پیوندی همراه آن است مانند قومی، مذهبی، زبانی و... که هرکدام از انواع اقلیت ها تعریف و تابعان خاص خود را دارند (پروین، ۱۳۹۲).

در علوم اجتماعی اصطلاح اقلیت گاهی برای توصیف روابط قدرت اجتماعی میان گروه فرا دست و فرودست به کار می رود و نشان دهنده تفاوت جمعیتی در درون یک جمعیت است. کنشگران اجتماعی ممکن است در طیف گسترده ای از مسائل از زبان حقوق اقلیت ها از جمله حقوق کودکان، مصرف کنندگان و... استفاده کنند.

2- دیدگاه اقلیت های دینی در قرآن کریم

یکی از بحث های قابل طرح در جامعه اسلامی، به ویژه در شرایط کنونی، موضوع تعامل با اقلیت ها و حقوق آن هاست. این عنوان که هم قابل انطباق بر اقلیت های مذهبی است و هم غیرمذهبی، ابعاد گوناگونی دارد. یکی از

¹ Minority

وظایب مهمّ جامعه اسلامی و نهادهای شناخته شده آن، اجرا و به رسمیت درآوردن حقوق انسان های تحت نظر جامعه اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) با تنظیم کردن قرارداد صلح با اهل کتاب، این مسبر را به طور عملی به اجرا گذاشتند؛ زیرا از همان آغاز طلوع اسلام و به وجود آمدن حکومت های اسلامی و عده ای از پیروان دین های گوناگون، بدون اینکه به اسلام بپیوندند، میان مسلمانان در سرزمین های اسلامی باقی ماندند و زندگی با مسلمانان را بر مسلمان شدن ترجیح دادند. جامعه اسلامی نیز در برخورد با این گروه های دینی باید از یک روش معین بهره می برد. از جمله این گروه ها، پیروان دین های آسمانی مختلف مانند مسیحیان، یهودیان و مجوسیان بودند که حاضر نشدن به اسلام روی بیاورند، اما قصد جنگیدن هم نداشتند و درخواست زندگی صلح آمیز با مسلمانان داشتند (فیروزآبادی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۷۴).

قرآن کریم با شناخت سایر ادیان آسمانی و اعتراف به حقیقت آن ها، حقوق آنان را نیز به قطعیت شناخته است. همچنین اسلام با توجه به داشتن شرایط معنوی خود، رابطه خود را از واقعیت آیین های آسمانی، جدایی ناپذیر می شمارد: لَا تَفْرُقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره/۲۵۸). همچنین از آیات دیگری که به مبحث اقلیت ها اشاره دارد، می توان به موارد زیر استناد نمود:

۱ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ... مَا تَوْرَاتٍ رَا نَازِلٍ كَرَدِيمٍ دَرِ حَالِي كِه دَرِ أَنْ، هِدَايَتِ وَ نُوْرِبُوْدِ﴾ (مائده/۴۴).

۲ ﴿...وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ... اَيْنِ وَعَدِه حَقِّي (بِهَشْت) اَسْتِ بَرِ اُو كِه دَرِ تَوْرَاتِ، اِنْجِيلِ وَ قُرْآنِ ذَكَرِ شُدِه اَسْت﴾ (توبه/۱۱).

۳ ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (بقره/۱۳۶). بگوئید خدا و آنچه که بر ما نازل گشته و آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اخلاف آنان نازل یافته و آنچه که به موسی و عیسی وحی شده و آنچه که به سایر انبیاء از پروردگارشان رسیده ایمان آورده و میان هیچ یک فرق نمی گذاریم و ما در برابر آن سر تسلیم فرو می آوریم﴾.

۳- دیدگاه قرآن کریم در خصوص نحوه رفتار با اقلیت های دینی در جامعه اسلامی

آیات مختلفی به عنوان وحی و کتاب آسمانی و حاوی شریعت الهی و معارف حقه شناخته شده اند و موازی با قرآن قرار گرفته اند. حال باید دید دین اسلام که حاوی و نشانگر صلح، عدالت و نماد خوبی هاست، چه حقوقی را برای اقلیت های تحت نظر خود در نظر گرفته است؟ علاوه بر این می بایست مشخص کرد آنچه به عنوان جزیه از اقلیت ها در حکومت اسلامی گرفته می شود، آیا اجحاف و ظلم در حق آنهاست یا علتی دیگر دارد که فقط باید اقلیت ها آن را بپردازند؟ در پاسخ به این سؤال های بنیادی باید گفت اقلیت ها در جامعه اسلامی، هیچ گاه عنوان بیگانه نمی گیرند، لذا حکومت اسلامی با اینان قراردادی با نام پیمان ذمه منعقد می کند که با انعقاد این قرارداد در حقیقت پیوند معنوی عمیقی بین این گروه ها با اسلام بسته می شود.

با مدد از آیات قرآن کریم می توان موضع کلی اسلام را نسبت به اقلیت ها آشکار ساخت؛ به عنوان مثال، دو آیه ۸ و ۹ سوره مبارکه ممتحنه از مظاهر این مسأله می باشند، چنان که می فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَفَرُوا...﴾

يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ: خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. * تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یابه بیرون راندن شما کمک کردند و هر که با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است. از این دو آیه، یک اصل کلی و اساسی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان استفاده می شود که نه تنها برای آن زمان، بلکه برای امروز و فردا نیز ثابت است و آن اینکه مسلمانها می بایست در مقابل هر فرقه و کشورهای مختلف که شرایط نامناسبی با آنها دارند و مخالف اسلام و مسلمین هستند، قیام کنند یا مخالفین اسلام را یاری دهند و هر ارتباط محبت و دوستی با آنها را قطع کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

4- حقوق اقلیت های دینی در سیره معصومین (ع)

الف) حقوق اقلیت های دینی در سیره پیامبر خدا (ص)

پیامبر (ص) در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیتها را به نمایش گذاشته است و بدون شک الگوی رفتاری همه مسلمانان در این موضوع و موضوعات دیگر است و تاریخ، رفتار پیامبر (ص) با اقلیت هایی که در پناه حکومت ایشان در مدینه و اطراف آن می زیستند را ثبت کرده است. پیامبر اسلام نه تنها تبعیض نژادی را هرگز به رسمیت نشناخته بلکه بارها بر تساوی نژادها تصریح کرده است. چنانچه در فتح مکه فرمود: «مردم از زمان آدم تا امروز مثل دانه های شانه (مساوی) هستند؛ هیچ فضیلتی برای عرب بر عجم و برای سرخ بر سیاه وجود ندارد مگر به سبب تقوی». همچنین اقلیت های دینی نیز در پناه اسلام در انجام مراسم عبادی و حفظ آیین خود آزاد بوده اند و هیچ کس حق اذیت و آزار آنها را نداشت. بنابراین اقلیتها همواره در قلمرو اسلامی با استفاده از جمیع امکانات و مقدرات اجتماعی زندگانی می کنند و حتی چنانچه از کتب تاریخی و فقهی بر می آید، پیامبر اسلام (ص) با گروهی از آنان قراردادی تحت عنوان «عقد ذمه» در برابر حمایت از ایشان منعقد نموده است روی این اصل، اسلام با مخالفان عقیده و دین اسلام مخالفتی ندارد چون افراد بشر بندگان خداوند هستند و اگر کسی اسلام نیاورد لزومی ندارد با او قطع ارتباط شود زیرا اسلام مکتب صلح و دوستی است، پس چون شارع مقدس نتوانسته است این موضوع اساسی و مهم را نادیده بگیرد، از این رو قوانین و مقرراتی را از نظر روابط آنان با دولت اسلامی و نیز با هم کیشان خود و اختیاراتی که می توان داشته باشد، وضع نموده تا آنها بتوانند با آرامش و امنیت در پناه دولت اسلامی زندگی کنند.

نگاهی مختصر به زندگی نبوی و علوی در برخورد با پیروان دین های مختلف دیگر به خوبی نمایانگر خط مشی اصلی معصومین (ع) در مواجهه با آنهاست، به طور مثال به موارد زیر می توان اشاره کرد؛ از خانه یکی از مسلمانها مدینه دزدی صورت گرفت، در این سرقت، به دو نفر تهمت زده شد، که یک نفر مسلمان و دیگری یهودی و هر دو را دستگیر کردند و به حضور پیامبر آوردند. میان مسلمانان دلهره ای پیدا شد که اگر مشخص

شود مسلمان سرقت کرده، آبرویی برای ما در مدینه و مقابل یهود باقی نمی‌ماند. به حضور پیامبر رفتند و گفتند، آبروی مسلمانان در خطر است. بر این اساس با اقلیت‌های دینی عقد ذمه بسته می‌شد، هدف اصلی از انعقاد چنین قراردادی، ایجاد محیطی مطمئن و زندگی صلح آمیز میان گروه‌های مختلف دینی و مذهبی در قلمرو اسلامی بوده است. به موجب عقد ذمه، اقلیت‌های دینی مادامی که بر پیمان خود وفادار بمانند از حقوق و اختیاراتی بهره‌مند شده و مورد حمایت دولت اسلامی هستند. در مقابل اقلیت‌ها هم مالیاتی تحت عنوان «جزیه» به حکومت اسلامی می‌پردازند.

از جمله اختیارات و حقوقی که برای اقلیت‌های دینی در حکومت پیامبر(ص) در نظر گرفته می‌شد و حتی بعد از رحلت پیامبر(ص) هم، این حقوق و مزایا برای اقلیت‌هایی که در قلمرو دولت اسلامی زندگی می‌کرده‌اند در نظر گرفته شده است، عبارتند از:

۱- حق حیات و حق آرامش

۲- آزادی مذهبی و انجام شعائر دینی

۳- حقوق قضایی

۴- حق مسکن

۵- آزادی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری (منصوری، ۱۳۹۲).

ب) حقوق اقلیت‌های دینی در سیره امام علی (ع)

با مطالعه سخنان امام علی (ع) که از آیات قرآن و زندگی پیامبر اکرم (ص) الهام گرفته می‌توان مدعی شد که آن امام عزیز همزیستی صلح آمیز با افراد مخالف مذهبی و پیروان دیگر دین‌های آسمانی را بنیان نهادند تا جایی که در رهنمودهای خویش همزیستی با دیگران را حتی در عرصه «اندیشه و نیت» چنین ترسیم می‌فرمایند (خداوند سبحان دوست دارد نیت انسان درباره‌ی هموعانش نیکو و زیبا باشد. همچنین امام علی (ع) در ابتدای عهدنامه مالک اشتر در این زمینه اشاره کرده است که:

«فأنهم صنفان أما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق؛ انسان‌ها همه برادر شما هستند یا برادر ایمانی و یا برادر انسانی».

امام علی (ع) حق زندگی را یکی از مهم‌ترین حقوق انسانیت می‌داند و به خطر انداخته شدن این حق به جز مواردی که خداوند اجازه داده ممنوع می‌باشد به همین دلیل امام علی (ع) به پیروانش فرمودند: از خونریزی‌ها به جا سخت‌پرهیزید که آن به خشم خدا نزدیکتر است و بیشترین کیفر را در پی دارد و نابودی نعمت و سرنگونی را زمینه‌ساز می‌گردد و خداوند یکتا در روز قیامت خود بر خون‌های به ناحق ریخته‌بندگانش حکم می‌کند. پس به هیچ‌عنوان با ریختن خون حرام پایه‌های حکمرانی خویش را استوار نکنید که این کار از عوامل سستی و حتی نابودی و از دست رفتن حکمرانی است (نامه/۵۳).

امام علی (ع) نه تنها خود و دیگران را ملزوم به رعایت حفظ زندگی افراد مختلف می‌دانست بلکه در صحبت‌های خود همواره اهل کتاب (اهل ذمه) را در کنار مسلمانان ذکر می‌کند و کارگزاران خود را از هرگونه ظلم و ستم و جفا به آنها برحذر می‌دارند. به عنوان مثال به کارگزارانش می‌فرمودند: ستم بر اهل قبله روا مدار و بر

غیر اهل قبله که با مسلمانان پیمان همزیستی دارند، ظلم مکن و تکبر را از خود دور کن زیرا خداوند متکبران را دوست ندارد.

امام علی (ع) در منزلت و جایگاه آزادی آن را لازمی خلقت بشر و از جمله حقوق انسان به شمار آورده است و اشاره می‌کند که انسان به گوهر وجودی و فطرت خود، آزاد آفریده شده است و اگر خود به بندگی و بردگی دیگران تن ندهد، اهل حریت و آزادی است. لذا می‌فرمایند (ای مردم! از حضرت آدم غلام و کنیزی خلق نشده، بلکه تمام مردم آزاد هستند، مگر کسی که پذیرفته باشد (ذلت) بردگی غیر را) که اینجا امام (ع) اصل آزادی را برای همه انسان‌ها ثابت می‌داند و به نوعی لازمه وجودی انسان و از حقوق بشر می‌شمارد، حقی که خداوند متعال آنرا برای همگان عنایت کرده است. در عبارتی دیگری آن امام عزیز انسان‌ها را از رقیت و بندگی و سلب آزادی خود نهی می‌کند و می‌فرماید «بنده دیگری مباش همانا خداوند تو را آزاد آفریده است. امام علی (ع) از دفاع از حقوق مخالفان فکری خویش، حتی اقلیت‌های مذهبی ساکن در کشور اسلامی و مسلمانان منحرف و فاسد در عقاید را بر خود و کارگزارانش واجب می‌شمارد و چنان بر این حقیقت تأکید داشت که در دوران حکومت خود مخالفان و پیروان سایر ادیان را با زور و فشار به مسیر دین اسلام نکشانند و از روش‌های استبدادی برای هدایت و ایمان آنان به اسلام راستین استفاده نکرد. بنابراین در حکومت علوی هیچ‌گاه اقلیت‌های دینی به سبب داشتن عقیده خود از حقی محروم نشدند و یا مورد بازخواست قرار نگرفته‌اند بلکه امام (ع) دفاع از حقوق و اقلیت‌های دینی را که در ذمه حکومت اسلامی قرار گرفته بودند بر خود و کارگزارانش واجب و لازم می‌شمارد و به عنوان نمونه آزاد گذاشتن خوارج که مردمی خشن، کوتاه فکر، متحجر و با عقیده‌ای فاسد به شمار می‌آمدند نشان دهنده پایبندی عملی حضرت به حق آن انسان‌ها بوده است.

یکی دیگر از سیره و روش امیرالمومنین علی (ع) احترام به قوانین و مقررات ادیان و احترام به سنت‌ها بود و فرمودند اگر من به داوری و قضاوت بنشینم، درباره‌ی پیروان تورات به حکم تورات، بین پیروان انجیل به انجیل، بین پیروان زبور به زبور بین پیروان قرآن کریم به قرآن عمل خواهم کرد. در نهج البلاغه حقوق اقلیت‌های دینی اعم از بیان آزادی سیاسی و اجتماعی، آزادی عقیده رعایت اصول برابری، تساوی در برابر قانون، احترام به سنت‌ها و دیگر قوانین ادیان با رعایت موازین اسلامی به رسمیت شناخته شده است.

ج) سیره امام زمان (ع)

در طول تاریخ ستم‌های زیادی بر اقلیت‌ها شده است. قرن هفدهم را می‌توان به عنوان دوره بیداری مجامع جهانی در تدوین و تصویب اسناد مختلف جهانی در این بخش دانست، حقیقت این است که پیشرفت نکردن مقررات حمایتی ذکر شده در سال‌های گذشته محسوس است، ناآگاهی از مقررات اسلامی از جهت دیگر باعث شده است، برخی فکر کنند جامعه اسلامی در این قسمت مقرراتی ندارد، یا اگر دارد، ابتدایی است، در این بخش توجه گسترده‌تر به روایات عصر ظهور و رعایت حقوق اقلیت‌ها در جامعه بین‌المللی حضرت مهدی (عج) می‌تواند مشخصاً برتری مقررات اسلامی را نسبت به آنچه در مقررات جهانی آمده است، روشن کند، این امر در آنجا بیشتر واضح می‌شود که بدانیم «مهدویت» در واقع استمرار حرکت رسولان الهی و تداوم

خط امامت است و اهداف آن، همان اهداف پیامبران و اولیای الهی است، با اینکه حکومت مهدی (عج) تجربه نشده است، سابقه حکومت پیامبران و ائمه (ع) جلوی چشم ماست «مدینه المهدی» آینده به نوعی تدوam «مدینه النبی» گذشته است.

از برنامه‌های در نظر گرفته شده امام مهدی (عج)، ایجاد حکومت فراگیر بین المللی و اداره همه اجتماع ها از یک نقطه و با یک سیاست خاص است، در آن زمان و به دست امام مهدی موعود، آرمان والای تشکیل حکومت بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد و آرزوی قدیمی همه پیامبران، امامان، مصلحان و انسان دوستان برآورده خواهد شد.

با ظهور امام مهدی (عج)، توحید در همه بخش ها راه پیدا می کند و دین اسلام به صورت آیین رسمی، همه جهان را دربر خواهد گرفت، ولی این کار، باعث نمی شود که اقلیتی از یهود و نصاری در برابر حکومت امام مهدی (عج) زندگی کنند، امام مردم را از طریق اجبار به اسلام نمی کشاند، بلکه با منطق پیش می رود و توسل او به قدرت و نیروی نظامی برای گسترش عدالت و از بین بردن حکومت های ظالم و قرار دادن جهان زیر پرچم عدل اسلامی است، نه برای اجبار به پذیرفتن این آیین و گرنه آزادی و اختیار مفهومی نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵).

با ظهور امام مهدی (عج) و ایجاد ایده حکومت بین المللی، عدالت در پهنه گیتی گسترش یابد و هر شخصی از جمله اقلیت های دینی بتوانند مطابق با مقررات دینی به فعالیت های آزادانه و مشروع خویش مشغول باشند.

۵- حقوق اقلیت های دینی در جمهوری اسلامی ایران

۵-۱ اقلیت های دینی در سیره امامین انقلاب

الف) سیره امام خمینی «رحمة الله علیه» در خصوص اقلیت های دینی

دیدگاه امام خمینی «ره» در تحریرالوسیله در خصوص مسائل مختلف مربوط به اهل کتاب عبارت است از:

۱. جزیه

۲. قرارداد ذمه

قرارداد جزیه اختصاص به یهودیان و مسیحیان و کسانی دارد که محتملا دارای کتاب آسمانی بوده اند و آنها مجوس و آتش پرست می باشند. در این حکم مذاهب مختلف این ادیان از قبیل کاتولیک و پروتستان و غیره یکسان هستند و اختلاف عقیده آنان در صورت انشعاب از یکی از ادیان نامبرده تاثیری نخواهد داشت (شریعتی، ۱۳۸۱).

کسانی که خود را پیرو پیامبران صاحب کتاب آسمانی مانند حضرت ابراهیم (ع) می شمارند، مشمول حکم قرار داد (جزیه) نخواهند بود و همچنین کسانی که بعد از ظهور اسلام، به آیین های سه گانه نامبرده گرویده باشند از حکم اهل (ذمه) خارج می باشند.

هر فرد یا گروه غیر مسلمان، اگر خود را از اهل کتاب بدانند، پذیرفته می شود و از آن ها گواهی بر ادعا خواسته نمی شود.

کودکان و زنان، از پرداخت جزیه معاف می باشند، و به مستمندان مهلت داده می شود که در صورت کسب توانایی مالی، جزیه خود را بپردازند. اگر متن قرار داد (ذمه) جزیه بر عهد زنان گذارده شود، چنین شرطی باطل خواهد بود و در خواست پرداخت جزیه از طرف زنان نیز پذیرفته نخواهد بود.

اهل کتاب، اگر بعد از عقد قرار داد (ذمه) از پرداخت جزیه خود داری نمایند، به جایگاه امنی فرستاده می شود و از هر گونه تعرض و غافلگیری مصون خواهند بود.

جزیه مقدار معینی ندارد، و تعیین آن بر عهد حکومت اسلامی است که طبق شرایط و مصلحت، مقدار آن را مشخص می کند و کیفیت پرداخت آن نیز، از طرف دولت اسلامی با توافق طرفین، مقرر می گردد.

جزیه مانند زکوه، سالیان اخذ می شود، و هرگاه زمان معینی برای پرداخت، تعیین نشده باشد آخر هر سال دریافت می گردد، و قبل از پایان سال، اگر (ذمی) مسلمان شود، جزیه از او گرفته نخواهد شد.

قرار داد (ذمه) را امام معصوم و در زمان غیبتش نائب او، منعقد می کند. قرار داد (ذمه) را هرگاه حکام جائز منعقد کرده باشند، می توان آن را صحیح شمرد. جزیه، مانند سایر مالیات های اسلامی، در مصالح اسلام و مسلمین مصرف می گردد.

در عقد (ذمه)، اهل کتاب باید شرایط زیر را تعهد نمایند:

۱. قبول پرداخت جزیه.
 ۲. از اعمال منافی امان و قرار داد ذمه خودداری کنند، مانند تصمیم بر قیام مسلحانه بر علیه مسلمین؛ یا کمک رسانی به دشمنان اسلام و مسلمین.
 ۳. تظاهر به منکرات اسلامی ننمایند.
 ۴. احکام دادگاه های اسلامی را محترم شمرده و گردن نهند.
 ۵. مسلمانان را ایذا نکنند و از اعمالی چون فحشاء با زنان مسلمان، و سرقت اموال و جاسوسی خود داری کنند.
- احکام جنایی در باره اهل ذمه طبق مقررات اسلامی جاری خواهد بود در صورتی که، در متن عقد قید شده باشد. اهل کتاب از ساختن معابد جدید در کشور اسلامی ممنوع خواهد بود. در سرزمین هایی که به اهل ذمه واگذار شده هر گاه شرطی در بین نباشد اهل کتاب می توانند معابد خاص خود را بسازند.
- اهل ذمه نباید ساختمان های بلندی که مشرف بر خانه های مجاور مسلمین باشد احداث نمایند، اما اگر چنین بنایی را از مسلمانی خریداری کرده باشند، بلامانع خواهد بود. و همچنین اگر مسلمانی در جوار خانه ذمی ساختمان کوتاهی بنا کند، برای ذمی که صاحب ساختمان بلندتر می باشد اشکالی تولید نخواهد کرد.
- رضایت همسایه در این مورد تاثیری ندارد.
- غیر مسلمانان نمی توانند داخل مسجد الاحرام شوند، گرچه از اهل ذمه باشند. و نیز نباید داخل مساجد دیگر شوند، این حکم در صورتی که ورود کافر به مساجد، موجب هتک نگردد، نیز صادق می باشد. و مسلمانان نمی توانند چنین اجازه ای به غیر مسلمان بدهند.
- اقامت در سرزمین های اسلامی، به جز حجاز برای اهل ذمه جایز است، ولی می توانند به صورت عبور از حجاز بگذرند.

ذمیان حق تبدیل آیین خود به آیین دیگر ندارند، و هر گاه یهودی مسیحی یا مجوسی بت پرست گردد، از ذمه خارج خواهد شد، و اگر دوباره به دین اصلی خود برگردد پذیرفته می شود. اهل ذمه هر گاه اعمالی را که در اسلام ممنوع است مرتکب شوند، در صورتی که تظاهر به آن نداشته باشند، مورد تعرض قرار نمی گیرند، ولی در صورت تظاهر به آن، به موجب احکام دادگاههای اسلامی، مجازات خواهند شد. وصایای ذمی در صورت مخالفت با موازین شرعی اسلام، توسط مسلمین انجام نخواهد شد ولی عمل به آن توسط خود اهل ذمه بلامانع خواهد بود. کفار و نیز اهل ذمه نمی توانند در کشور اسلامی و بلاد مسلمین برای گمراه کردن مسلمانان، دست به تبلیغات بزنند و کتب خود را نشر دهند، و دولت اسلامی باید، از تبلیغات گمراه کننده آنان جلوگیری نمایند (امام خمینی، ۱۴۲۱ق).

ب) سیره امام خامنه ای «حفظه الله» در خصوص اقلیت های دینی

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان و دیگر پیروان ادیان الهی در ایران فرمودند: «ما» از اسلام آموخته ایم که باید با پیروان ادیان دیگر با انصاف و عدالت برخورد کرد؛ این حکم اسلام به ما است. آنچه امروز در دنیا مشاهده می شود این است که قدرت ها و دولت های مدعی انصاف و عدالت، هیچ انصاف و عدالتی را جز در دایره سیاست های تنگ و محدود و ظالمانه خودشان ملاحظه و مراعات نمی کنند شما امروز می بینید در اروپا در آمریکا علیه مسلمان ها چه تبلیغاتی انجام می گیرد. بحث این نیست که چرا مسلمان ها آزادی لازم را در بسیاری از این کشور ها ندارند؛ بحث بر سر این است که چرا امنیت جانی ندارند! یعنی حقیقتا این جور است. همین فیلم (تک تیر انداز آمریکایی) که حالا سر و صدایش بلند شده و هالیوود آن را درست کرده، تشویق می کند یک جوان مثلا فرض کنین مسیحی یا غیر مسلمان را که تا آن جایی که می تواند و از دستش بر می آید، مسلمان را اذیت می کند، اصلا تشویق می کند این معنا را؛ آن طور که نقل کردند، ما که این فیلم را ندیدیم. این روش، روش مورد پسند اسلام نیست؛ اسلام معتقد است به انصاف. البته ما در داخل کشورمان خوش بختانه از همزیستی ادیان گوناگون برخورداریم؛ یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان؛ اینه هم در کنار مسلمانان و در ظل نظام اسلامی زندگی می کنند؛ با ما همکاری و همزیستی دارند نقش ایفا می کنند. البته وظیفه هم دارند؛ دولت اسلامی هم نسبت به آنها به عنوان شهروندان ایرانی دارای وظایفی است که این وظایف را باید انجام دهد و انجام هم می دهد. ما هیچ گله ای از شهروندان اقلیت های مذهبی خودمان نداریم. ملاحظه می کنید که وقتی تبلیغات دشمنان علیه جمهوری اسلامی شکل های موزیانه ای پیدا می کند، کلیمیان ایران اعلامیه می دهند. در قضیه دیگری ارامنه ایران یا برخی گروه های دیگر مسیحی اعلامیه دادند و از جمهوری اسلامی دفاع و حمایت کردند و این جزء افتخارات جمهوری اسلامی است. در نظام جمهوری اسلامی؛ همه از حقوق شهروندی برخوردارند.

نظر مقام معظم رهبر حضرت آیت الله خامنه ای (مد) مقصود از اهل کتاب و معیار معاشرت با آنها: مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی (علی نبینا و آله و علیهم السلام) بداند و یکی از کتابهای الهی را که بر انبیاء علیه السلام نازل شده، داشته باشند مانند یهود، نصاری، زرتشتی ها، و همچنین صابئین که بر اساس تحقیقات ما اهل کتاب هستند و حکم آنها را دارند معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی اشکال ندارد. همچنین اهل ذمه تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت اسلامی که در حمایت آنها زندگی می کنند، باشند و کاری که منافی با امان است انجام ندهند حکم معاهد را دارند.

۶- حقوق اقلیت های دینی از نظر دانشمندان

۶-۱- آیت الله عبدالله جوادی آملی

رویکرد آیت الله جوادی به اقلیت دینی به گونه ای است که دنبال توسعه ی هندسه ی معرفت دینی است؛ جایی که هیچ چیز خارج از مجموعه ی دین قرار نگیرد. مدخل ورودی استاد به بحث، حل تعارض عقل و دین است که از طریق ارائه ی نگاهی جدید به جایگاه عقل در هندسه ی معرفت دینی اقدام به ایجاد پیوند میان عقل و دین و در نتیجه محصول آنها یعنی علم و دین می کند.

دین در این نگاه مجموعه ی عقاید، اخلاق و قوانین فقهی و حقوقی است که از جانب خداوند صادر شده است پس اصل مفاهیمی مثل خداوند بهشت، دوزخ، ملائکه و... دین نیستند بلکه حقایق مستقلی در عالم اند که دین حوزه ی عقیده ی انسان را با گزاره هایی مانند خدا وجود دارد و حیطة ی عمل انسان را با گزاره هایی مانند واجب بودن نماز و... در نسبت با آنها تنظیم می کند.

منشا این احکام تنها خداوند متعال است که از طریق وحی آن را در اختیار بشر قرار می دهد. حقیقت وحی، معصوم از اشتباه و دخل تصرف شیاطین در اختیار شخص معصوم قرار داده می شود اما آن چیزی که ما امروز با آن سروکار داریم نه اصل آن حقایق بلکه الفاظی هستند که از گذر قرن ها به ما رسیده است. نقل، محصول شناخت مفسر و فقیه و اصولی و حدیثی از الفاظ وحی است که به علت معصوم نبودن از خطا در مرتبه ی پایین تر از وحی قرار دارد اما عقل شامل تمام انواعش یعنی تجربی و عرفانی و فلسفی به عنوان قوه ای در انسان که وظیفه ی درک کردن را بر عهده دارد در برخورد با وحی دست به اثبات آن می زند و به عنوان یک کلید در خانه ی وحی را به روی انسان می گشاید.

نقل از آن جا که حاصل اجتهاد و دقت عالمان در کلام وحی است و به ما خبر از آن می دهد دینی خواننده می شود اما یک سوال؛ ابتدای عالم خداست و بازگشت همه هم به سوی اوست پس در این بین هم جز فعل و تجلی خدا چیز دیگری نیست. با این حال چطور می شود که بررسی کلام خداوند به خاطر انتسابش به او دینی خوانده می شود اما بررسی فعل خداوند یعنی عالم طبیعت توسط دانشمند تجربی علم دینی خوانده نمی شود. کار علوم طبیعی شناخت خلقت خدای تعالی است یعنی مشغول خلقت شناسی هستند پس قطعاً محصولشان هم دینی است و حجت دینی هم است البته به شرطی که ما را به یقین یا ظن و گمان معتبر برساند.

پس با توجه به مطالب فوق علم به عنوان محصول عقل در درون گفتمان دین قرار می‌گیرد و تمام علوم، دینی هستند و فرض در نظر گرفتن علم غیردینی محال است حتی اگر دانشمند آن بی‌دین باشد.

البته آیت‌الله جوادی فلسفه را از این حیث متفاوت می‌داند و معتقدند فلسفه تنها علمی در عالم است که در لحظه‌ی تولد نه الهی است و نه الحادی اما در ادامه با شناخت عالم، یا جهان‌بینی الهی پیدا می‌کند یا الحادی. تمام علوم بر پایه‌ی فلسفه‌ی علم خود به وجود می‌آیند و این فلسفه‌ی علم هم بر پایه‌ی فلسفه مطلق است پس اگر فلسفه‌ی مطلق ما الهی شد عالم را مخلوق خدا می‌بیند و اگر الحادی شد عالم را طبیعت بی‌جان می‌داند. مشکل علوم جدید این است که خداوند را به عنوان ابتدا و انتهای عالم در نظر نمی‌گیرند و از آن‌جایی که در دامن فلسفه‌ی الحادی رشد کرده‌اند عالم را به عنوان طبیعت، لاشه‌ی بی‌جانی می‌دانند که دست به شناختش می‌زنند. لازمه‌ی اصلاح این علم که از آن به اسلامی‌سازی تعبیر می‌شود اصلاح جهان‌بینی و فلسفه‌ی علوم و در نظر گرفتن خداوند به عنوان مبدا و انتهای آن است. در این صورت است که عالم مخلوق خدا و علم خلقت‌شناس می‌شود. صنعت هم به عنوان حرفه‌ای که به موتناژ و بهره‌برداری از خلق الهی مشغول است صفت دینی می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

۶-۲- علامه محمدتقی مصباح یزدی

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی تحلیل‌گران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه، و خصوصاً آن‌هایی که علقه بیشتری به ارزش‌های دینی داشتند، خود را در برابر پدیده‌ای دیدند که مولد مسائل بی‌شماری است که علم و دین باید به آن‌ها پاسخ دهد. جریان‌های مختلف فکری پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان در این چارچوب تحلیل و تفسیر کرد. جریان‌هایی که به عمدتاً به دنبال ارائه چارچوب و مدل در زمینه‌های گوناگون برای حکومت اسلامی بودند تا موانع از سر راه برداشته شده و کارآمدی نظام اسلامی به اثبات برسد.

یکی از این جریان‌ها گرایش فکری خاصی است که درباره علم دینی نیز نظرات مختص به خود را دارد و این جریان منتسب به حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی است. او با راه‌اندازی مراکزی همچون پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، موسسه باقرالعلوم و در آخر موسسه امام خمینی (ره) دست به نظریه‌پردازی و ایجاد حرکت علمی در زمینه علم دینی و علوم انسانی زده است (زیبا کلام، ۱۳۸۶).

از نظر جامعه شناسی انسان موجودی اجتماعی است یعنی آدمی فطرتاً در پی آن است که به هم‌نوعان خود بپیوندد تا زندگیش نظام یابد و به واقع انسان به تنهایی قادر نیست که از مراحل زندگی سخت دنیایی بگذرد، از این رو ناگزیر است که از دیگران یاری جوید. در زندگی اجتماعی، احترام متقابل افراد جامعه به یکدیگر، زندگی را زیباتر و دوست داشتنی میکند و موجب ازدیاد مهر و محبت مردم نسبت به همدیگر می‌شود. انسان-ها در جامعه نسبت به یکدیگر وظایف متقابل دارند و شناخت حقوق و مراعات دوجانبه آن، ضامن تصحیح روابط و سالم سازی معاشرت و زدودن کدورت‌ها و کاهش اختلاف‌ها و گله مندی‌ها است. احترام به حقوق اقلیت‌ها و تلاش در رفع تبعیض یکی از دغدغه‌ها و مسائل مبتلا به بشر در دنیای امروزی است چرا که اقلیت‌های دینی، قومی، زبانی، نژادی و... با گرایش‌های متفاوت در تمام جوامع وجود دارد و می‌توان گفت امروزه کشوری وجود ندارد که تمام تابعیتش یکدست بوده و اقلیت معنی و مفهوم نداشته باشد. اقلیت واژه‌ای است که هیچ‌گاه به تنهایی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و همواره با پسوندی همراه است مثل قومی، مذهبی، زبانی و... در ادبیات حقوقی اقلیت به اجتماعی از شهروندان اطلاق می‌شود که به واسطه داشتن ویژگی یا ویژگی‌هایی، از گروه اکثریت متمایز باشند. معمولاً گروه اقلیت در مقایسه با موقعیت خود در کشور محل سکونت تعریف می‌شود، ولی ممکن است در یک منطقه بسیار بزرگ مانند یک قاره و یا منطقه کوچک مانند یک استان نیز شناسایی شود. از آنجا که بردباری مذهبی و امکان زندگی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان مختلف و اقلیت‌ها در قلمرو یک جامعه، یکی از ارزش‌های مهم در حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی است و تنها دینی که این همزیستی مسالمت‌آمیز را به صورت کامل مطرح کرده، دین اسلام است و قرآن کریم با صراحت تمام به همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌نماید. آیین اسلام از همان ابتدا پیروان ادیان اهل کتاب را به عنوان اقلیت دینی در قلمرو جامعه اسلامی به رسمیت شناخت و امت اسلامی را به رعایت احترام و حفظ حقوق آنان فرمان داد.

اسلام جزیه را به صورتی عرضه نموده که نه تنها نشانه‌ای از تحمیل و ابراز توفیق و استثمار نیست بلکه عادلانه‌ترین راه صلح و همبستگی و همزیستی مسالمت‌آمیز نیز می‌باشد. غیر مسلمانان در جامعه اسلامی دارای حقوقی هستند که اهم مصادیق آن عبارتند از:

۱: حقوق و آزادی‌های فرهنگی و مذهبی: الف) حق انجام عبادت (ب) حق آزادی عقیده و دین (ج) حق داشتن معبد (آزادی در مرمت و تعمیر معابد)

۲: حقوق و آزادی‌های سیاسی: الف) حق انتخابات (داشتن نماینده) ب) حق عضویت هیأت منصفه (ج) حق داشتن یا تصدی شغل قضا و مشاغل رسمی دیگر (د) حق امتیاز روزنامه (ه) حق داشتن احزاب و انجمن‌ها (و) حق تابعیت).

۳: حقوق و آزادی‌های اقتصادی: الف) حق مالکیت (حقوق مدنی) ب) حق مالکیت اموالی که از نظر اسلام مالیت ندارد مثل شراب (ج) حق بیع (خرید و فروش) و فعالیت‌های بازرگانی (د) حق شفعه (به شرط اینکه مشتری مسلمان نباشد) (ه) حق مسکن)

۴: حقوق اجتماعی: (الف) رفتار انسان دوستانه حاکمان با آنها (رسیدگی عادلانه) ب) احوال شخصیه (حق به رسمیت شناختن ازدواج و طلاق آنها ج) تعطیل رسمی (حق کار- حق شغل) د) حق تعیین سرنوشت ه) آزادی تجارت و آزادی فلاح و کشاورزی ز) آزادی مشاغل ح) شرکت در فعالیت های تعاونی

۵: حقوق آزادی های قضایی: الف) حق مراجعه به دادگاه ب) رسیدگی عادلانه ج) شهادت- دیه د) وکالت. ه) آزادی و اختیار در نحوه ترافع

که این حقوق در سیره معصومین (ع)، امامان انقلاب و قوانین حکومت اسلامی دیده شده و سفارش شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- پروین، خیرالله (۱۳۹۲). دو فصلنامه حقوق بشر اسلام، شماره ۷۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، قم: اسراء.
- شریعتی، روح الله (۱۳۸۱). حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، نشر بوستان کتاب قم، صص ۵۷.۶۲.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶). القاموس المحيط، موسسه الرساله، چاپ هشتم، بیروت، ص ۸۷۴.
- فیض کاشانی، وافی، ج ۱۵، ص ۴۸.
- زیباکلام، سعید (۱۳۸۶). تعلقات و تقویم دینی علوم، قم: موسسه‌ی پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و هفتم، تهران، ص ۲۴۹.
- معین، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی، چاپ یازدهم، (تهران، انتشارات امیر کبیر)، ج ۱، ص ۱۳۶۳.
- مُفَضَّلُ زَبَّی، مُفَضَّلُ بن محمد (۱۳۸۳). الْمُفَضَّلَات، ج ۱، ص ۱۳۱، شعر ثعلبه بن صعیر، چاپ احمد محمد شاکر و عبد السلام محمد هارون، قاهره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه"، دارالکتب الاسلامیه.
- منصوری، فرنگیس (۱۳۹۲). اندیشمندان حقوق، سال دوم، ش ۶.
- موسوی خمینی، روح الله موسوی (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیله، قم: دارالعلم، جلد دوم، ص ۴۹۷.
- مهرپرور، دکتر حسین (۱۳۹۴). نظام بین المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات.
- هوشیار، حبیب زاده (۱۳۹۳). پرسشنامه حقوق کیفری، شماره ۵.